سرمقاله

پروژه شهر جدید کابل از بی پروایی تا ناتوانی

حفیظ الله زکی

شهرجدید کابل با مساحت دو نیم برابر شهرکنونی کابل از پروژه‌های مهم اقتصادی کشور است که هشت سال پیش کارهای اولیه برای ساخت این شهر آغاز شد و قرار بود که سال گذشته کار ساختمانی آن آغاز شود؛ اما به علت مشکلاتی که در مسیر این پروژه وجود داشت؛ آغاز آن به تأخیر افتاد.

اکنون مشاور رئیس جمهور در امورشهرسازی و ساختمان با اشاره به اینکه۴۰درصد زمین های پروژه شهر جدید کابل غصب شده است، می‌گوید که حکومت وحدت ملی توان حل مشکل غصب زمین‌های پروژه شهر جدید کابل را ندارد و شماری ازغاصبان زمین تلاش دارند تا زمین‌های بیشتر این پروژه را غصب کنند.

حکومت وحدت ملی همواره شعار داده است که مسأله مبارزه با فساد و غصب زمین را در اولویت سیاست ها و برنامه های خود قرار می دهد و این حکومت با تمام توان خود با فساد و زورگویی مقابله خواهد کرد؛ اما به نظر می رسد که دو دلیل عمده در پیشرفت پروژه شهر جدید کابل نقش داشته است: یکی اراده ضعیف حکومت برای تطبیق پروژه شهر جدید.

دوم گروه های قدرتمند مافیایی که می خواهند از این پروژه منفعت کلان اقتصادی را نصیب شوند.

عده ای از مردم حکومت را ملامت می کنند که اراده قوی و جدی برای پیشرفت پروژه نداشته است و گرنه حکومت می توانست از عهده حل مشکلات موجود برآید. بی پروایی، تعلل و سهل انگاری حکومت در آغاز پروژه شهر جدید کابل زمینه را برای سوء استفاده ها و بی بندو باری ها فراهم کرد و پیشرفت کارهای این پروژه را با چالش مواجه نمود.

ولی برخی از شهروندان معتقد اند که بسیاری از مقامات بلند پایه حکومتی خود در به وجود آوردن مشکلات در راه تطبیق پروژه سهم دارند و آنها با همدستی مافیای زمین و زورگویان محلی و فریب مردم آن منطقه، مانع تطبیق پروژه می گردند.

به صورت کلی چند مشکل عمده در مسیر پیشرفت پروژه شهر جدید کابل وجود دارد:

۱-مشکل امنیت منطقه است. زورگویان محلی همواره در ساحه این پروژه با سلاح های دست داشته شان گشت و گذار می کنند و از راه تهدید و زورگویی می خواهند به منافع نامشروع شان برسند. این افراد حتا در جلساتی که با حضور مسؤلان دولتی و دونر های خارجی برگزار می شود، همراه با اسلحه وارد جلسه می شوند که این امر سبب دلسردی دونرها و سرمایه گذاران خارجی در این پروژه می گردد.

۲-تفکیک نشدن زمین های دولتی از ملکیت های شخصی چالش دیگری فراروی اجرای پروژه به حساب می آید، اگر هشت سال پیش دولت اقدام به تفکیک ملکیت ها می کرد، مشکل جدی به وجود نمی آمد، اما امروز این امر تقریبا به یک مسأله لاینحل بدل شده است.

۳-تعلیک زمین های مردم منطقه از سوی حکومت مانع بزرگ دیگر در مسیر پروژه به شمار می رود. اهمیت یافتن زمین های این منطقه و بالا رفتن قیمت های زمین، صاحبان آن را وادار کرده تا به آسانی از زمین های شان دست برندارند.

۴-شاید میزان زمین های غصب شده از سوی زورمندان بسیار بیشتر از آن چیزی باشد که ازسوی مشاور رییس جمهور اعلام شده است.

از آنجایی که این غاصبان همگی به قدرت دست دارند و ازسوی ارگ نشینان مورد حمایت قرار می گیرند؛ بعید به نظر می رسد که حکومت بتواند زمین های غصب شده را پس بگیرد. همانطوری که مشاور رییس جمهورهم اعتراف کرده است، حکومت توان مقابله با این افراد را ندارد.

این گفته نشان می دهد که ما امید مبارزه با فساد و قاچاق را به طور کل نباید از این حکومت داشته باشیم؛ زیرا همین افراد است که در فساد و یا قاچاق نیز نقش دارند.

پس حکومت با آنها نیز مبارزه کرده نمی تواند؛ در نهایت به این نتیجه می رسیم که سایه هیولای فساد، قاچاق و غصب زمین تا سال های دیگر همچنان سیاستگذاری ها و برنامه های ملی را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

دولت، ربوده شدن و گروگان گیری هزاره ها را بایدجدی بگیرد

یوسف مهرآیین

اشاره:

«از گروگان گیری و ربوده شدن سی ویک شهروند هزاره تبار کشور نزدیک به یک ماه می گذرد اما هنوز از سرنوشت آنها خبری نیست. در این حال خبر رسیده که روز گذشته(۲۴ حوت) بازهم تعدادی از شهروندان هزاره تبار در مسیریغزنی- جاغوری به وسیله¬ی افراد ناشناس ربوده شده اند. اگرچه گفته می شود تعدادی از این افراد رها شده اند و تنها یک نفر از آنها نا پدید است، اما مساله این است که چرا در شرایطی که دولت برای گفتگوهای صلح تلاش میکند و رئیس جمهور غنی در همین راستا به عربستان سعودی سفر کرده چنین کارهای می شود؟»

در این رابطه، دو نکته را قابل بحث می دانیم:

یکم، مساله ربودن وگروگان گیری شهروندان از سوی گروه های افراطی و بنیادگرا یک مساله ملی است. دولت باید این مساله را از دو منظر سیاسی و نظامی مورد توجه قرار دهد و اجازه ندهد که گروه¬های هراس افگن به بهانه¬ های مختلف ملت افغانستان را آسیب برسانند. آن چه واضح است این است که گروه های هراس افگن در مناطق مشخصی گشت و گذار می کنند و در مناطق مشخصی دست به آشوب و خشونت می زنند. حالا فرق نمی¬کند که این گروه ها اتباع افغانستان اند و یا اتباع کشورهای خارجی، این ها هرکی هستند اما دشمنان مردم افغانستان و عواملی کشورهای بیگانه اند که از فرصت ها و زمینه های در داخل کشور برعلیه ملت و دولت افغانستان کار می کنند.

خشونت ها و جنایات که این گروه تا کنون در برابر ملت افغانستان به کار برده اند هم بی شمار اند ولی بعد از این باتوجه به شرایطی که پیش آمده نباید این خشونت ها و جنایت ها به اشکالی دیگری ادامه پیدا کنند. در شرایطی که دولت افغانستان سرگرم تلاش ها برای راه اندازی گفتگوهای صلح با طالبان اند، گروگان گیری شهروندان هزاره تبار از سوی گروه¬های هراس افگن بسیار معنا¬دار می نماید. به ویژه این که خبرها و نشانه های از شکل گیری گروه هراس افگن داعش درکشور و همینطور تبدیل شدن برخی از دسته های طالبان به داعش به گوش می رسد.

در این حال، دیده می شود که گروه های هراس افگن با استفاده از فرصت ها و زمینه هایِ، گروه مشخص قومی را که نسبت به سایر گروه های قومی آسیب پذیری بیشتری دارند مورد هدف قرار داده است. در زمان که هنوز از سرنوشت سی و یک هموطن ربوده شده خبری در دست نیست، ربودن و آزار رساندن به تعدادی دیگری از مسافرین که به لحاظ قومی این ها هم هزاره هستند بسیار نگران کننده است.

اکنون این نگرانی ملی ایجاب می کند که حکومت در قسمت تلاش های که در راستای گفتگوهای صلح با همکاری کشورهای منطقه از جمله پاکستان روی دست گرفته است، از دقت و تاملی بیشتری کار بگیرد. اگر قرار باشد عده¬ی از افراد مربوط به گروه طالبان تحت فشار منطقه¬ی¬ و بین المللی به پروسه صلح بپیوندند و و شماری زیادی دیگر در جبهات جنگ برای مردم افغانستان مشکل درست کنند، در آن صورت چیزی به نام صلح در کشور به وجود نخواهد آمد. بدتر از آن این که این بار هراس افگنان سعی می کنند در کنار اعمال اقراطی و بنیادگرایانه بر علیه منافع ملی، با راه اندازی جنگ های قومی وفرقه¬ی، زیربنا و ساخت ملت سازی در افغانستان را از طریق برجسته ساختن رویه های قومی وفرقه¬ی مورد هدف قرار دهند.

بنا بر این، در این شرایط، دولت باید از کشورهای منطقه تعهد بگیرد که پس از این هیچ کشوری حق ندارد از گروه های تروریستی و هراس افگن تحت هیچ نامی در افغانستان حمایت کند. اما اگر آن ها در این روند صادق نباشند و سعی کنند به بهانه¬ی صلح بدنه جنگی گروه طالبان را تحت نام داعش درافغانستان فعال نگهدارند، پس دولت باید برای ایجاد صلح و ثبات پایدار در کشور، همان طوری که تلاش می¬کند ابتکار صلح را در دست بگیرد، سعی کند کهبرنامه ریزی قوی جنگ را هم در دست بگیرد، آن هم در شرایطی که منطقه و جهان در معرض تهدیدی جدیدی قرار دارد. اگرچه نیروهای شجاع امنیتی کشور توانمندی های خوبی دارند و می توانند گروهای هراس افگن را به عقب برانند ولی با درنظرداشت این¬که ریشه و تار گروه های هراس افگن به دستان خارجی هاست و خارجی ها جنگ را در افغانستان دامن می زنند، دولت باید سعی کند که با حمایت و تقویت نیروهای امنیتی و جلب همکاری های بیشتر نیروهای بین المللی، از ادامه دست اندازی و خراب کاری خارجی ها در کشور جلوگیری نماید.در این مورد درخواست که رئیس جمهور از امریکا کرده تا آن کشور در قسمت خروج نیروهایش از کشور عجله نکند و گفته شده که آن کشور هم به طور فعالانه این درخواست را مورد بررسی قرار می دهد یک اقدام خوب است.هم چنان ایجاب می کند که با توجه به ماهیت و شکل جدیدِ خشونت ها و اعمال هراس افگنانه، دولت ترتیبات و برنامه ریزی های مشخصی را برای حفظ جان شهروندان روی دست گیرد؛ مسیرهای عمومی و راه های که در آن ها تهدید وجود دارد باید صد در صد امنیت آن ها تامین شود. در مناطق که گمان می رود و یا نشانه های از هراس افگنان وجود دارد باید پایگاه ها و پاسگاهای امنیتی افزایش یابد، به خصوص مناطق هزاره نشین که در سال های گذشته آرام بوده اند و به همین خاطر تعداد نیروهای امنیتی در آن مناطق کم اند. حتی اگر دولت نمی تواند در برخی مناطق امنیت شهروندان را به صورت کامل تامین نماید باید از خود مردم محل از طریق ایجاد زمینه های چون پولیس ملی محلی استفاده نماید.دوم، سرنوشت نامعلوم سی ویک هموطن ربوده شده و حالا ربوده شدن تعدادی دیگر(با آنکه تعدادی از آنان رها شده و تنها یک نفر آن ها لادرک است)، نشان می دهد که تهدید و چالش جدی است. اگر این کار را طالبان انجام می دهند و به خاطر گفتگوهای صلح کسی آن را به آن ها نسبت نمی دهند و یا دسته های جدید چنین کاری را می کنند، در هر حال یک نکته واضح است و آن این که دشمنان صلح و ثبات در افغانستان در برخی از مناطق کشور بسیار فعال اند و برای تعقیب اهداف مخرب شان از مردم افغانستان قربانی می گیرند.حالا، چیزی که باید در این جا حکومت مورد مداقه و توجه جدی قرار دهد این است که یک سره به سوی میز مذاکره صلح در حرکت نباشد. در شرایطی که سی ویک تبعه کشور از سوی گروه های هراس افگن ربوده شده است و بعد از نزدیک به یک ماه هنوز سرنوشت آن ها معلوم نیست و عملیات نجات دولت هم در این خصوص کارگر واقع نشده، بهتر بود که اول این جا رئیس جمهور سرنوشت این ها را معلوم می کرد، سپس به خاطر جلب حمایت عربستان در پروسه صلح به آن کشور سفر می کرد. در شرایطی که نیروهای امنیتی ما در جبهات جنگ مصروف نبرد با شورشیان و هراس افگنان هستند و شهروندان کشور مظلومانه در چنگِ ربایندگان تروریست به سر می برند، نیکو بود که رئیس جمهور همان طوری که به خاطر حادثه پنجشیر سفرش به ایران را به تاخیر انداخت، این سفرش به عربستان را هم به تاخیر می انداخت تا مردم افغانستان مطمئن می شدند که این کارها را کی و کدام گروه ها انجام می دهند، حتی می شد آنگاه از یک موقف خوبتر در راستای گفتگوهای صلح گام برداشت. اما در شرایطی که هم وطنان ما هنوز امنیت ندارند و سی ویک تن در سرنوشت نامعلومی به دست ربایندگان به سر می برند، قوت و زیبایی تلاش های دولت برای گفتگوهای صلح تحت سئوال قرار می گیرد.

نیروهای آمریکایی و ضرورت پایانِ ماموریت

عبدالرحمن فهیمی

ایالات متحده آمریکا و هم پیمانان سیاسی اش، از این رو، ایالات متحده در راس و ائتلاف بین المللی مبارزه با تروریزم در کنارش، تصمیم به ماندن در افغانستان را اتخاذ کردند. مسائل زیر به ترتیب اولویت ماندن آن ها را در کشور توجیه می کرد:

اول، مبارزه، سرکوب و نابودی تروریزم به عنوان تهدید کنندهٔ امنیت افغانستان، منطقه و جهان. دوم، تلاش برای نهادینه کردن ارزش های سیاسی و حقوقی چون دموکراسی، انتخابات، نقش اقلیت های قومی و مذهبی و حقوق زنان. سوم، کمک به بازسازی، نوسازی و توسعه اقتصادی افغانستان.

بر این اساس، آمریکا جهت تحقق اولویت ها و هدف های مهم که برشمرده شد، می بایستی در کشور ماندگار می شد.

اما به زودی، کشورهای ائتلاف و آمریکا تلاش کردند، از جنگ با تروریزم به صورت مستقیم شانه خالی کنند و تمامی مسوولیت ها را به دوش حکومت و نیروهای دفاعی و امنیتی کشور اندازند. از این رهگذر، بحث تقویت و تمویل جدی نیروهای دفاعی از یک سو، و خروج نیروهای خارجی به صورت تدریجی و گام به گام از سوی دیگر، مطرح گردید. بر این اساس، این فرضیه تقویت شد که نیروهای دفاعی کشور، توانمند شده اند و قادر اند که به صورت مستقلانه از مرزهای سیاسی دفاع و با شورشگران و تروریستان مبارزه کنند. برنامهٔ انتقال گام به گام مسوولیت های نظامی از نظامی های خارجی به نظامی های خودی طرح و به منصه اجرا گذارده شد.

اکنون، شمار کلان از نیروهای خارجی کشور را ترک کرده اند و دارند به اصطلاح پیروزی شان را در میدان جنگ افغانستان جشن می گیرند و به سربازان و فرماندهان نظامی شان، مدال می دهند. فقط معدود سربازان آمریکایی باقی مانده است که به منظور آموزش، مشوره و حفاظت از تاسیسات آمریکایی مانده اند، و نیز برخی از نیروهای نظامی کشورهای عضو ناتو بر اساس موافقت نامهٔ نظامی که امضا گردید، جهت آموزش و مشوره دهی به نیروهای نظامی خود مانده اند.

حالا بحث این است که هر سه اولویت و هدف را که ایالات متحده و کشورهای عضو ائتلاف جهت حضور در افغانستان مطرح کرده بودند، هیچ یک محقق نشده است. طالبان و تروریزم نابود نشده اند و هر روز امنیت مردم را تهدید می کنند و نیز به تازگی نقاب پوشان مجهول الهویت ظهور کرده و آرامش را از مردم ربوده است. ارزش های سیاسی، حقوقی و اجتماعی چون دموکراسی، انتخابات و حقوق زنان نهادینه نشده و با چالش های جدی مواجه است. و بحث بازسازی، نوسازی و توسعه اقتصادی کشور که به یک معما تبدیل شده است. در طول چهارده سال پول های هنگفت جهت بازسازی کشور سرازیر شد، اما نتیجهٔ ملموس را در پی نداشته است. کمک کنندگان خارجی حکومت کابل را به کوتاهی و بی تدبیری و حکومت کابل کمک کنندگان را به حیف و میل متهم می کند.

بحث تلاش برای نهادینه کردن ارزش های سیاسی، اجتماعی و بازسازی و نوسازی را می توان از راه دور دنبال کرد، اما، پیش برد فرایند مبارزه با تروریزم و آرامش بخشیدن به مردم افغانستان، منطقه و جهان از رهگذر تهدیدهای امنیتی کلان که خلق کرده اند و در صورت مهار نکردن خلق خواهند کرد، از راه دور نمی شود. بایستی نیروهای نظامی آمریکایی در کشور باشند، در گام نخست آماده هرنوع کمک و همکاری در جریان جنگ ها و در گام دوم برخی از عملیات ها را خود انجام دهند.

مشکل تنها به تهدیدهای گروه طالبان خلاصه نمی شود. به تازگی نقاب پوشان سر برآورده اند که در شاهراه های عمومی ریخته و مردمان عادی و بی گناه را می ربایند. نحوهٔ ربودن شان نیز بوی نفاق قومی می دهد. تا هنوز فقط گرگ بی رحم به جان هزاره ها شده اند. چندی پیش، حدود ۳۱ نفر از قوم هزاره را در ولایت زابل ربودند. موی سفیدان محلی تلاش کرد از رهگذرهای مسالمت آمیز آن ها را نجات دهد. اما نتیجهٔ را در پی نداشت. حکومت با راه اندازی هیاهوی تمام، از آغاز عملیات نظامی جهت نجات دادن مسافران اسیر خبر داد، و جنرال عبدالرازق فرمانده پولیس کندهار و فرمانده عمومی عملیات نجات، اعلام کرد که بدون نجات دادن هموطنان اش به کندهار بر نمی گردد، اما تا هنوز خبری و اطلاع در دست نیست و این حادثهٔ جانکاه به تدریج به مسئلهٔ عادی و روزمره تبدیل می شود.

در حال که مادران پیر در انتظار نجات پسران، زنان جوان در انتظار دیدار شوهر و کودکان خردسال در انتظار پدر مهربان شان هستند، بازهم روز گذشته مسافرانی که از جاغوری به سمت غزنی در حرکت بودند، توسط ربایندگان ربوده شدند.

بنابراین، ماموریت و کارها بی پایان و نا تمام مانده است. گذشته از ائتلاف جهانی مبارزه در برابر تروریزم، افغانستان ایالات متحده آمریکا را به عنوان مسوول و طرف اصلی می شناسند. طالبان تهدید می کند و نقاب پوشان که شبیه عام و تام به گروه داعش برخواسته در عراق و سوریه دارد، هر روز مردم را به غم می نشاند.

رویکرد نقاب پوشان به مراتب بدتر از تهدیدهای طالبان است. آن ها با ربودن شیعیان هزاره در صدد دامن زدن به اختلاف ها و درگیری های قومی ـ مذهبی هستند. همان طور که در دههٔ هفتاد تجربه شده است، جنگ ها و درگیری های قومی، کلان ترین تهدید خواهد بود. هیچ گروه تروریستی و شورشی موفق به سقوط دادن حکومت مرکزی نشده و نخواهد شد، اما، جنگ ها و درگیری های قومی به زودترین فرصت، حکومت و نظام را از درون قلج می کند.

از بحث مطرح شده توسط ریاست جمهوری افغانستان و نظامی های آمریکایی مبنی بر خروج با تاخیر نیروهای آمریکایی باید استقبال گردد، و تلاش گردد که آمریکایی ها مردم افغانستان را تنها نگذاشته و ماموریت های اش را به پایان رساند.

کارتون روز

بدون شرح

روزنامه افغانستان The Daily Afghanistan
Daily Outlook Afghanistan

□صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا ۰۷۹۹٤۰۸۲۷۱
□مدیر مسوول: محمد رضا هویدا ۰۷۹۸۳٤۱۸٦۱
□سردبیر : حفیظ الله زکی ۰۷۹۹۱٥۷۳۷۱

□ کاریکاتوریست: خالق علی زاده

□دیزاین: محمد صالحی، علی‌اصغر زاهدی
□مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی

□آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر V- ۱۳۷

روزنامهٔافغانستان از همهٔ دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهدهٔ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com